

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۰۸ سپتمبر ۲۰۱۲

جبر و اختیار !!!؟؟

قضا و قدر؟؟

بخش اول

از هزاران سال به اینطرف روی دلایل خاصی از سوی مبتکرین ادیان به مردم گفته شده است که دین وجه تمایز انسان با حیوان است !! و خواسته اند که با این طرح دین را به بالاترین وجه تمثیل و معیار سنجش ها در شناخت ماهیت انسانی و حیوانی قرار دهند.

همه ادیان به وجود آمده در جوامع بشری در ابتداء با موضعگیری در چوکات زندگی مسالمت آمیز، خیر خواه بودن . و....پدیدار گشته و مبلغین آن ادیان هم به شرح و بسط و شاخ و پنجه دادن به آن پرداخته اند تا این که دین شان را ذهن نشین مردم ساخته تعدادی هم با پذیرش دین موافق و از آن پیروی نموده اند به مرور زمان آهسته آهسته دین و دین سازان چهره اصلی خود را آشکار و خواستار سلطنت دینی گردیده من حیث تحمیل کننده ایده های دینی به شکل خشونت های سبعانه و کشنده ظاهر شدند. شلاق جای موعظه را می گیرد. دشمنی و کدورت جای برادری و همنوعی را گرفته و دین تبدیل می شود به یک سلسله باور هائی که مجریان آن می خواهند آن را به زور بر مردم تحمیل دارند. یعنی مسلک می باشد که هر فرد جامعه مجبوراً باید از آنچه به نام دین گفته شده و شکل قانون اجتماعی را به خود گرفته است و یا در حال شکل گرفتن است، باید پیروی نمایند تا باشد به حساب دین سازان آنها به بهشت بروند.

در جامعه ای که دین تسلط سیاسی و اجتماعی بر مردم دارد کسی حق ندارد بگوید نی ما نمی خواهیم از این طریق و راه به بهشت برویم !! چون اختیاری ندارند؟؟ آنها باید همان دین مسلط را قبول، احکام آن را احترام و هدایات رهبران شان را پابند باشند و نه با تیغ شمشیر باید سر شان از بدن جدا گردد تا به بهشت بروند !!! با قدرت مندی دین سازان آن شکوه، جلال، پاکی انسانی تبلیغ شده از بین می رود تعصبات و هدایت گری های غیر انسانی جایگزین محبت و عطوفت شده، محبت انسانی محو و جایش را خون و آتش می گیرد!! از آن صفای قلب و پاکدامنی و عظمتش اولی دیگر خبری نیست جنایت و بی شرافتی و تجاوز به مال و ناموس مردم جا نشین شده

است !!؟

چه زیباست گفتار آن زن در جنگ هفتم صلیبی به سنت لونیز!!!؟

آن پیره زن سر گردان در خیابانی که با آتشی در دست چپش و کاسه ای از آب در دست راستش بود در مقابل سؤال سنت لونیز که چرا این دو ظرف را با خود حمل می نماید !! چنین با وقار جواب می دهد : با این آتش بهشت را می سوزانم و با این آب تمام آتش های دوزخ را خاموش می کنم. چون نمی خواهم کسی به خاطر دین به بهشت یا ترس از بیدینی به دوزخ برود !!! بی دین ها اعمالی خوبی انجام می دهند اما نه به خاطر رفتن به بهشت و بهره گرفتن از حور های بهشتی !!! اگر من از انجام کار خوبی دریغ نمایم نمیتوانم خودم را در آئینه نگاه کنم !!!؟ آیا این ابتدائی ترین تجربه اخلاقی ما نیست ؟؟؟؟

کنون که نسل ما در شرایطی زندگی دارند که دیگر دینی و مذهبی به وجود نمی آید باید بر داشت کاملاً معقول و انسانی از ادیان، دین سازان، دنباله روان، احکام، عملکرد مردم در چوکات ادیان و قربانی بیگناهان در راه ادیان مخصوصاً اسلام بدارند تا علل پیدایش، گسترش و رواج و نتایج حاصله از پیروی نمودن دین و یا عدم آن را دانسته و در روشنی تحلیل آن نتیجه گیری و عملکرد خود را عیار سازند.

اینک موضوع (جبر و اختیار، قضا و قدر) را به خاطر اهمیت آن از بین صد ها موضوع قابل تبصره و افشاء در اسلام انتخاب و به بررسی مختصر گرفته و با در نظر داشت این که اسلام دین برده داری، تأیید کننده و ادامه دهنده آن است؛ از آزادی و استقلال فکری و عملی مسلمانان صحبت نمی داریم چون دینی که به همه زور مندان و تاراجگران اجازه بدهد که برده و کنیز داشته باشند و ضعفا و اسیران جنگی باید و حتماً برده و کنیز قدرت مند ها گردند صحبت نمودن از آزادی انسانی و عدالت خداوندی در چوکات ادیان ابراهیمی کار بیهوده ای خواهد بود. در اسلام انسان ها دو نوع اند، (فلسفه یونان قدیم) انسانهای آزاد و آدم های برده و کنیز !! و از آنجا که در ادیان ابراهیمی برده داری جایز شمرده شده و برده ها حیثیت کالا و جنس را داشته و مالک آن حق خرید و فروش آن را دارد نمی توان در چوکات بندی های آن ادیان از آزادی های انسانی به شکل عام صحبت نمود. قسمی که قبلا طی نوشتارهای متعدد غرض روشن شدن ماهیت ادیان مخصوصاً اسلام زیر عناوین مختلف یاد آور شدم غارتگری و چپاول اصول اولیه این مکتب و بنیاد فکری شان را تشکیل می دهد. اسلام در ابتدا دینی بود صلح طلب و انسانی (آنوقت محمد قدرت نداشت) و بعداً (در زمان اقامت در مدینه و پیدا نمودن قوای جنگی و رهنی) اسلام شد دین فاشیستی !! فاشیسم عربی !! که غیر عرب چه اسلام شده و یا غیر آن را عجم می گفتند !!!؟ (عجم یعنی غیر عرب)

اسلام دینی که با زور شمشیر باور های خرافی را گسترش و در غارتگری های لجام گسیخته اعراب وحشی و گوشت سوسمار خور رشد نمود و همه هستی های مردم دنیا را تاراج نمود حتی زبان و فرهنگ دیگران را هم از بین برده و می برند تا برده داران و نیرو های استعماری بتوانند منافع بیشتری به دست آرند . و روی همین ملحوظ از دین اسلام به ارتباط استعمار باید فهمید که در دین اسلام ارزش انسان با شتر سنجیده می شود !!!؟ برویم به بررسی آنچه اسلام مدرن قرن ۲۱ با در نظر داشت منافع همه جانبه قدرت های چپاول گر در باره یک سلسله موهوماتی که زائیده تفکر و اندیشه دنباله روان اعراب می باشد و می خواهند رو شنگر اذهان ما باشند صحبتی داریم.

پاره ای از اسلام سازان روی دلایل خاص خود شان به این باور رسیده اند که در (اصول دین تقلید جایز نیست و مسلمان باید در مورد دین تحقیق کند و اصول دین را با دلیل و برهان بپذیرد) و همچنان وجدان و عقل انسان هم

تقلید کورکورانه و تعبد را در مسأله مهمی چون سرنوشت سازی دین برای انسان‌ها نمی‌پذیرد و همه می‌دانیم که این صحبت خیلی زیباست! زیباتر از آنچه تصورش را باید کرد و قبول چنین طرحی از طریق منادیان اسلام!!!! غیر قابل باور و تعجب‌برانگیز است! تحقیق در دین و پذیرش آن؟؟ اگر محمد زنده می‌بود همه این مردم را با چنین اندیشه‌هایی حلقوم می‌برد.!!؟؟ اما این بیچاره‌ها مجبور اند یک چیزی بگویند تا اندیشه‌ای قرون وسطایی را شکل مقدس، مدرن و جاودانی داده و چیزک‌های بگویند تا ساده اندیش‌ها فکر نمایند که اسلام چنین چیزی را از قبل می‌دانسته و در قرآن آمده است و ما نمی‌دانیم؟؟

کنون که یک تعداد از تاجران دین و دینداران بدون ریش (تحقیق بودن اصول دین) اسلام را پذیرفته‌اند ما هم باید بدون تعصب و بدبینی و یا خوشبینی نه تقلیدی باید دین و اصول آن را به بررسی گرفته و نتایج حاصله از آن اگر ما را به کشف حقیقت دین نرساند حد اقل برای شناخت نسبی آن ما را کمک خواهد نمود. همه می‌دانیم که قرآن و متون اولیه و قابل اعتبار اسلامی در حوزه‌های تفسیر، فلسفه، علم کلام، علم اخلاق، علم تاریخ، علم قیاس و فقه اسلامی به زبان عربی نوشته شده است و از آنجا که ما مردم زبان عربی را بلد نیستیم چند محصل عرب و ریش‌دار را چشم و چراغ خود می‌دانیم. اما اگر تصمیم داشته باشیم از خود مسلمان آگاه و باورمند تحقیقی بسازیم باید که در شناخت دین اسلام زحمت کشیده با صداقت، جدیت و صبر و حوصله‌مندی تام به تحقیق در مورد اساسات دین و آنچه سازنده زیربنای دین اسلام می‌باشد بی‌غرضانه تحقیق نموده و با نتیجه‌گیری نسبی از ثمره تحقیق خود باورمندی‌های خود را عیار سازیم.

با مطالعه تاریخ ادیان و اسلام به وضاحت دیده می‌شود که سر دمداران ادیان مخصوصاً اسلام از نشر شدن عقاید مخالفین شان همیشه در هراس بوده و با تبلیغ این که مطالعه و فهمیدن نظریات و استدلال‌ات غیر اسلامیون باعث خرابی عقاید مسلمین می‌گردد به هر شکل و صورتی از مطالعه، نشر و تکثیر آنچه در بر دارنده باورهای مخالف ادیان است جلوگیری نموده حتی به کسان و شخصیت‌های مخالف ادیان هم زمینه‌گر و بحث‌های سازنده به نام کفار، زندیق، ملحد و بیدین داده نشده، که این همه از ترس روشن شدن مغزها و پیدایش اندیشه‌های روشن و غیر خرافاتی می‌باشد. همیشه اسلام سازان خود را کلید حل تمام مشکلات انسانی دانسته و با زمزمه نمودن چند جمله عربی حقانیت آنچه را گفته شکل تقدس بخشیده و بر مردم تحمیل نموده‌اند.

حال که بناست به **موافقه عده‌ای از مسلمین** که بنا بر دلایل خاص می‌گویند: باید اصول دین تحقیقی باشد می‌رویم به تحقیق در دین اسلام، قبلاً از قرآن که اساس و اصول و پایه اصلی اسلام است (در نوشته‌های قبلی) شروع نموده و از آوردن احادیثی به ارتباط موضوع تا جایی که توان بوده موضوعات اسلامی را ریشه‌یابی نموده و به همان شکل این تحقیقات را ادامه داده و از مسلمانان و اسلام سازان هم دعوت انسانی می‌نمایم تا در این نوع جر و بحث‌ها بدون ترس و واهمه سهم گرفته فرهنگ خودمانی و حقیقت‌یابی را بهتر و روشنگر جلوه دهند. چون اگر بنا باشد این نوع صحبت‌ها خطری داشته باشد به یقین کامل باید دانست که متوجه ایشان نیست؟؟ هدف آنهایی است که خلاف تیوری دین و واهمه پرستی صحبت می‌دارند و یا آنچه ضد استعمار و استثمار است. دین و دین سازان و دین داران که خود در خدمت استند و آنها نمی‌توانند و نمی‌خواهند نوکر صادق را از بین ببرند؟؟؟؟

دین اسلام دینی عجیبی است با طرح‌های عجیب تر

پیرامون آنچه محمد از زبان قرآن گفته است. اگر سرسری و بدون تعقل از آن‌ها گذشت صورت گیرد موجود معتقد تبدیل به یک آله و ابزار خرافاتی می‌گردد و چیزی جز همان دگم اندیشی و شبح پرستی نمی‌تواند در ذهن

داشته باشد. فلذا اگر می خواهیم جدا مسلمان واقعی و یا دیندار اصلی بر مبنای تحقیقی و درست اندیشی باشیم لازم می افتد تا تمام طرح های اسلامی را که اساسات آن راتشکیل می دهد به دقت مورد مطالعه و تجزیه قرار داده و بیاموزیم اگر به معیار های علم و منطق سالم در ست آمد می توان آن را پذیرفت و به آن عمل کرد و یک پارچه مسلمان بود !!؟؟ تنها به یک فرق و تمایز کلی !! یعنی مسلمان فهمیده و آگاه از تمام موضوعات اسلامی خواهیم بود و در آن صورت خواهیم توانست در جبهه دفاع از دین و مخصوصاً اسلام به پا خاسته و استدلال نمود ؟ در غیر آن اگر چیزی مشکوک و در هم و بر همی دیدیم می توان بر آن انگشت انتقاد گذاشت و از چیز فهم های اسلامی توقع کمک و رهنمای نمود تا باشد در رو شنگری ایشان عقاید ما سالم شده و خالی از هر نوع شبه پرستی و او هام باشد!! لازم است حد اقل از خود مسلمان آگاه و چیز فهم بسازیم تا اگر نتوانیم به قناعت اهل دانش و علم در دفاع اسلام بپردازیم حد اقل بتوانیم خود را قناعت داده و با وجدان راحت مسلمان باشیم ؟؟ که اگر از ما پرسیده شود چه نوع مسلمانی هستی ؟؟ نگوئیم دلایلش را از ملا های ما بپرسید !!

ببینیم این دین اسلام چی می گوید ؟ قرآن که می گویند کتاب آسمانی است در باره خلقت، بهشت و دوزخ – سر نوشت زنده جانها مخصوصاً انسان لوح محفوظ – عرش خدا – جن – ملائیک – شیطان – و مسایل اجتماعی – اقتصادی و سیاسی ابنای بشر چه معلومات و رهنمائی هائی داشته و دارد تا بتوان بر اساس آن عقیده خود را که میراثی به ما از اسلام بودن رسیده است با اندیشه و **معقولیت** از دین که خود را مربوط به آن می دانیم منسجم سازیم

پایان بخش اول